

---

**بررسی روش‌های رفتاری آسیب‌زا در تربیت با تکیه بر معارف علوی**

---

هاجر قاسمی گورتی\* / علی حسین زاده\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۳۰

**چکیده**

همه انسان‌ها برای رفع نیازهای خود در جامعه و دوری از انفعال، نیاز به برقراری ارتباط با افراد جامعه دارند و زمانی می‌توانند با دیگران رابطه برقرار کنند که بتوانند افکار، علایق و ذهنیات خود را در قالب رفتار، به دیگران منتقل نمایند. بنابراین، رفتار که تنها راه برقراری ارتباط انسان با محیط اطراف اوست، یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی انسان به شمار می‌رود. از طرفی رفتار، مهم‌ترین بستر بروز تربیت صحیح یا ناصحیح در انسان بوده و یکی از راه‌های دستیابی به تربیت صحیح، آشنایی با روش‌های رفتاری آسیب‌زا در تربیت است. با این توصیف این پژوهش بر آن است، با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از متون دینی و داده‌های علوم معاصر به تبیین مهم‌ترین روش‌های رفتاری آسیب‌زا در تربیت با تکیه بر معارف علوی بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین این روش‌ها؛ تنبیه، تشویق نابه‌جا و جدال بوده و راه کارهایی همچون رعایت اصول تنبیه و تشویق و به کارگیری آن در زمان و مکان خود و دوری از برخورد خصمانه با کودک می‌توان ارائه کرد.

**واژگان کلیدی**

تربیت، روش‌های آسیب‌زا، روش‌های رفتاری، معارف علوی.

---

\*. کارشناس ارشد نهج‌البلاغه، گروه معارف، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان.

[ghasemikashan190@gmail.com](mailto:ghasemikashan190@gmail.com)

\*\* . استادیار و عضو هیات علمی، گروه معارف، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان. (نویسنده مسئول)

[hoseinzadeh1340@yahoo.com](mailto:hoseinzadeh1340@yahoo.com)

## مقدمه

تنها دلیل برتری انسان نسبت به دیگر موجودات، کمال‌پذیری ارزشی اوست و تنها راه دستیابی به کمال، تربیت صحیح در پرتو مبانی تربیتی صحیح می‌باشد. بهترین بستر بروز تربیت صحیح در انسان رفتار اوست به این معنی که انسان با رفتارش به دیگران شناسانده می‌شود و با آن به بهترین وجه می‌تواند دیگران را تربیت کند بنابراین رفتار در حوزه تربیت، و در هر دو طرف مؤثر در آن؛ یعنی مربی و متربی حائز اهمیت است. ولی این جنبه از شخصیت انسان در مربی به مراتب از اهمیت بیشتری برخوردار است. با بررسی زندگی انسان می‌توان دریافت که همه افراد خواه ناخواه تربیت یافته ولی ممکن است در کیفیت، با یکدیگر متفاوت باشند. با این توصیف می‌توان دریافت که تربیت نیز امری نسبی است و به مبانی و روش‌های آن بستگی دارد. بنابراین انسان‌ها برای دستیابی به کمال به بهترین نوع تربیت که با بهترین روش‌های تربیتی حاصل می‌شود، نیازمندند.

با نگاهی مختصر به منابع تربیتی می‌توان دریافت که رویکرد این منابع رویکردی ایجابی است؛ به این معنی که در این منابع تنها به بایدهای تربیتی اشاره شده و کم‌تر به نبایدهای آن پرداخته شده است. تربیت کودکان بر اساس این نبایدها گاه آن‌چنان پیامدها و خطراتی دارد که تربیت نکردن، بهتر به نظر می‌رسد. از طرف دیگر منابع تربیتی که در اختیار مربیان و متولیان امر تربیت قرار دارد عمدتاً منابعی غربی است و کم‌تر از منابع اسلامی در این امر استفاده شده است. بنابراین بررسی این نبایدها که به روش‌های آسیب‌زا در تربیت تعبیر می‌شود و بومی‌سازی آن‌ها با مبانی اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. منابعی که در این زمینه نگاشته شده است بسیار اندک بوده و می‌توان از کتاب‌های تربیت طبیعی در مقابل تربیت عاریه‌ای، تربیت چه چیز نیست، تعلیم و تربیت به کجا می‌رود، تربیت طربناک، اثرات پنهان تربیت آسیب‌زا، هشدارها و نکته‌های تربیتی و یادداشت‌های ممنوعه، برداشت‌های وارونه از عبدالعظیم کریمی و روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی از محمد رضا قائمی مقدم و مقاله ابزارها و روش‌های آسیب‌زا در تعلیم و تربیت دینی دانش‌آموزان از ابوالفضل ساجدی نام برد. در این دو منبع پیش رو نیز تقسیم‌بندی منطقی از روش‌های آسیب‌زا صورت نگرفته و همه روش‌ها اعم از شناختی، عاطفی و رفتاری بدون تفکیک از یکدیگر بیان شده است.

با توجه به اهمیت موضوع، این مقاله بر آن است که روش‌های رفتاری آسیب‌زا در تربیت را با تأکید بر معارف علوی بررسی نموده و با توجه به گنجایش مقاله به مهم‌ترین روش‌های آسیب‌زا اشاره داشته

باشد. بنابراین در ادامه تعریف مختصری از رفتار بیان شده و روش‌های رفتاری آسیب‌زا در تربیت بررسی می‌شود.

### رفتار

رفتار در لغت به معنای «جمیع فعالیت‌هایی است که از موجود زنده سر می‌زند» (عظیمی، ۱۳۷۰، ص ۳۰ و ۳۱) و در اصطلاح روانشناسی به خصوصیات قابل مشاهده و فعالیت‌های کلی یک موجود زنده کامل اطلاق می‌شود. (حقانی، ۱۳۸۵، ص ۶۶)

در واقع موضوع روانشناسی که به معنای مطالعه رفتار و فرآیندهای ذهنی است (حقانی، ۱۳۸۵، ص ۷۰)، بیشتر به بررسی رفتار انسان اختصاص دارد (کاوه، ۱۳۸۷، ص ۴۰)؛ زیرا درک فرآیندهای ذهنی به طور مستقیم قابل مشاهده نبوده و بر اساس داده‌های رفتاری قابل استنباط است (حقانی، ۱۳۸۵، ص ۷۰). بنابراین می‌توان به جای واژه روانشناسی کلمه رفتارشناسی را برای این علم به کار برد. با این توصیف رفتار انسان یکی از مهم‌ترین ابعاد شخصیتی اوست که در علم روانشناسی به طور خاص به آن پرداخته شده است.

رفتارهای انسان به دلایلی کلی و ثابت حاصل می‌شود که در همه افراد یکسان بوده و تنها مصداق آن متفاوت است. در باب علت رفتار انسان، نظریاتی بیان شده است که در ادامه به جامع‌ترین آن اشاره خواهد شد.

قبل از بروز رفتاری از انسان، چهار مرحله طی خواهد شد که عبارتند از:

مرحله اول: تصور فایده عمل؛

مرحله دوم: تصدیق به فایده و پذیرفتن آن؛

مرحله سوم: پیدایش شوق و علاقه شدید به انجام عمل؛

مرحله چهارم: پیدایش اراده در فرد برای انجام عمل.

با بررسی این مراحل قبل از بروز رفتاری در انسان می‌توان دریافت که پیدایش آن نیز خود به دلایلی حاصل شده و آن ایجاد انگیزه در فرد است که به عوامل فردی و اجتماعی بستگی دارد. (ر. ک. ب: داوودی، ۱۳۸۵، صص ۱۹۹-۲۰۲) توضیح این که اگر فرد به پیامدهای رفتار، احتمال تحقق هر یک از آن‌ها، تأیید رفتار توسط افراد مهم و انگیزه برای یکرنگی با آنان بیندیشد در او ایجاد انگیزه نموده، چهار مرحله ذکر شده برای بروز رفتار فرد طی خواهد شد و آن انگیزه، به رفتار مبدل می‌شود.

با توجه به اهمیت رفتار و کارایی آن در ایجاد ارتباط بین افراد، تأثیر آن در دستیابی به تربیت نیکوی کودک و با توجه به کارایی آموزش روش‌های سلبی تربیت این پژوهش در ادامه به مهم‌ترین روش‌های رفتاری آسیب‌زا در تربیت می‌پردازد.

### ۱. تنبیه

تنبیه از جمله روش‌های تربیتی است که از دو جنبه ایجابی و سلبی برخوردار است؛ به این معنا که در موقعیت‌های مناسب، روشی بازدارنده و گاه اصلاحی بوده و با فقدان این شرایط و موقعیت‌ها، آسیب‌رسان خواهد بود. به عبارت دیگر اگر از این روش به درستی و در زمان، مکان و موقعیت مناسب استفاده شده و همه جوانب امر در نظر گرفته شود روشی سازنده برای تربیت فرزندان به شمار می‌رود، ولی اگر شرایط فوق در اجرای این روش رعایت نشود، آثار تخریبی آن به مراتب از سازندگی، بیشتر خواهد بود. بسیاری از دانشمندان علوم تربیتی نیز تنبیه را در ابتدا یک روش تربیتی مطلوب نمی‌دانند؛ زیرا عوارض بسیاری بر آن مترتب است. ولی اغلب دانشمندان اسلامی و مربیان تعلیم و تربیت این روش را با در نظر گرفتن شرایطی خاص، یک روش تربیتی دانسته؛ زیرا زمانی از آن استفاده می‌شود که تمام راه‌حل‌های موجود برای تربیتی صحیح اعمال شده و تأثیر لازم را نداشته است. (حسنی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۳) بنابراین برای درک بهتر این موضوع از منظر مبانی اسلامی، لازم است به تعریف روشنی از تنبیه و تفاوت آن با تعزیر و حد پرداخته و شرایط اعمال این روش و آسیب‌های آن بیان شود.

تنبیه از ماده نبه، در لغت به معنای بیدار کردن، آگاه کردن، هشیار ساختن و ادب کردن است (دهخدا، ۱۳۲۵-۱۳۵۲، ذیل واژه تنبیه / معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۱۴۸) و در اصطلاح، به کار بردن آدابی برای تحقق این معنا در آدمی است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۶۴) به عبارت دیگر تنبیه عبارت است از «ارائه یک محرک آزارنده یا تنبیه کننده به دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش دادن آن رفتار». (سیف، ۱۳۸۶-۱۳۸۸، ص ۲۴۶)

تعزیر به معنای تعظیم و توقیر و نیز به معنای تأدیب به کار می‌رود و از این جهت، زدنی که کمتر از حد باشد، تعزیر نام دارد (جوهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۴۴ / ابن منظور، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۶۱) و با تنبیه از دو جهت متفاوت است، اول این که تعزیر در برابر فعل حرام است و دوم، مقدار ضرب تازیانه آن کمتر از حد و منوط به نظر امام یا حاکم اسلامی است.

در کتب لغت حد به معنای مرز، پایان، خاتمه، انتها و منتهی آمده است. از قاموس و صحاح به دست می‌آید که معنای آن، منع و دفع است. (محقق داماد، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۶۴) راغب اصفهانی در مفردات



می‌گوید: « حد عبارت است از واسطه میان دو چیزی که از اختلاط آن دو جلوگیری می‌کند. » (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۲۲۱) حد بر خلاف تنبیه، دارای حرمت شرعی است، مقدار یا نوع مجازات آن معین بوده، مرتکب گناه مکلف است و هیچ کس حتی حاکم شرع نمی‌تواند در آن تغییر ایجاد کند. با مقایسه تنبیه، تعزیر و حد می‌توان دریافت که تنبیه درباره خطایی به کار می‌رود که نه تنها حد ندارد بلکه حتی گاهی حرمت شرعی نیز ندارد و بیشتر در رابطه با کارهای ناسزاوار اخلاقی است.

با توجه به اختلاف نظر صاحب‌نظران علوم تربیتی پیرامون جواز استفاده از تنبیه، در ادامه نقاط مثبت و تأثیرگذار آن در تربیت و انواع مؤثر تنبیه بررسی شده سپس نقاط ضعف و آسیب‌های احتمالی آن تبیین خواهد شد.

#### ۱-۱. تنبیه به مثابه روش تربیتی

انسان از این رو که دارای غریزه‌ای به نام حب ذات است، ذاتاً به جلب لذات، و دفع آلام نیازمند و به آن علاقه مند است. به همین علت تنبیه که روبرو ساختن متربی با امور ناخوشایند است، به مربی در جهت تربیت متربی کمک می‌کند. توضیح این که مربی با امور ناخوشایند، متربی را به زشتی کار خود واقف ساخته و به دلیل ناخوشایندی متربی از عملکرد مربی، وی را بر آن می‌دارد که دیگر آن رفتار نابهنجار را تکرار نکرده و از خود دفع آلام نماید. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «لَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيدَ الْأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَتَذَرِيبَ الْأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ وَ الْأَنْزِمَ كَلَامَهُمْ مَا أَلْزَمَ نَفْسَهُ» (نامه ۵۳) «هرگز نیکو کار و بدکار در نظرت یکسان نباشند، زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت، و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند، پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده.»

#### ۱-۲. تأثیر تنبیه

تنبیه از دو جهت عاطفی و رفتاری می‌تواند در متربی تأثیر گذار باشد. روش‌هایی که اثر مستقیمی روی بدن کودک ندارد مثل سرزنش، توبیخ، قهر کردن و محروم سازی در حیطه عاطفی جای گرفته و روش‌هایی مانند تنبیه بدنی که اثر مستقیم بر بدن کودک دارد روشی جسمانی است و در حیطه رفتاری جای می‌گیرد علاوه بر آن مربی در رفتار خود این روش‌ها را اعمال کرده و متربی را به زشتی کار خود آگاه می‌نماید بنابراین از این روش بیشتر در حوزه روش‌های رفتاری سخن به میان می‌آید. دلیل دیگری



که می‌توان برای قرار دادن این روش در حوزه رفتار بیان کرد این است که بیشترین آسیبی که متوجه کودک می‌شود، ناشی از تنبیه بدنی است که در این حیطة قرار دارد.

### ۱-۳. انواع تنبیه

همانگونه که در تعریف تنبیه بیان شد، تنبیه به معنای آگاهی دادن به کودک و نشان دادن راه درست به اوست. برای دستیابی به این مهم روش‌های متفاوتی وجود دارد که استفاده از هرکدام به شرایط و موقعیت مربی و متربی و شدت و ضعف خطای وی بستگی دارد. این روش‌ها عبارتند از تغییر در چهره، تنبیه با کنايه، تذکر مستقیم و غیر علنی، تهدید، محروم‌سازی، توبیخ و سرزنش و تنبیه بدنی. قرآن کریم نیز ذیل آیه ۳۴ سوره نساء به انواع تنبیه اشاره فرموده است. این آیه می‌فرماید:

«... وَاللَّاتِي خَائِفُونَ نُشُوزَهُنَّ فِعْظُهُنَّ وَالْجُرُوهْنَ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (قرآن کریم ۴: ۳۴) «... و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تأثیر نکرد] آنان را بزنید؛ پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید، که خدا والای بزرگ است.»<sup>۱</sup>

از این آیه شریفه، چند نکته تربیتی می‌توان دریافت:

۱- تنبیه تنها منحصر به تنبیه بدنی نیست بلکه روش‌های دیگری مانند قهر کردن، اظهار نارضایتی، منع و تحریم برخی امتیازات و غیره نیز به عنوان تنبیه وجود دارد.

۲- از تنبیه بدنی تنها در صورت ناکارآمدی سایر روش‌ها می‌توان استفاده کرد.

۳- در صورت ناکارآمدی سایر شیوه‌ها، تنبیه بدنی برای جلوگیری از انحطاط سایرین و از هم پاشیدن نظام تربیتی جامعه، ضرورتی حتمی خواهد داشت.

۴- تنبیه باید صرفاً جنبه تربیتی داشته و نباید حالت کینه توزی و انتقام جوئی در آن وجود داشته باشد. (الهامی‌نیا، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۷۵)

با توجه به آیه فوق می‌توان انواع تنبیه را به مراحل آن نیز تغییر کرد چرا که در انتهای آیه کریمه می‌فرماید اگر از شما اطاعت کردند دیگر از [روی بهانه جوئی] به آن‌ها تعدی نکنید. به بیان دیگر هر کدام از این مراحل خود به عنوان شیوه‌ای مستقل برای تنبیه انسان است و هر جا که تنبیه کارساز شد

۱. امام صادق (علیه السلام) فرمودند مقصود از اضربوهن، زدن با چوب مسواک و شبیه آن است، زدن که از روی رفق و دوستی باشد. (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۵۲۱).

نباید دیگر به آن ادامه داد و ترتیب بیان شده در آیه بیانگر مرحله‌ای بودن شیوه‌های تنبیه می‌باشد. با این توصیف در ادامه مراحل (انواع) تنبیه، بیان می‌شود.

### ۱-۳-۱. تغییر در چهره

مربی باید اصل در تربیت را بر مدارا و نرمش گذاشته<sup>۱</sup>، در اولین برخورد با خطای متربی آن را نادیده بگیرد. این روش که تغافل نام دارد، در مبانی اسلامی بسیار به آن سفارش شده است. حضرت علی (علیه السلام) از این روش به نیکی یاد نموده و می‌فرماید: «مَنْ أَشْرَفَ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ غَفْلَتُهُ عَمَّا يَعْلَمُ» (حکمت ۲۲۲) «خود را به بی خبری نمایاندن از بهترین کارهای بزرگواران است.» و «... إِنَّ الْعَاقِلَ نِصْفُهُ احْتِمَالٌ، وَنِصْفُهُ تَغَافُلٌ» (انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۷) «... مرد خردمند نیش تحمل و نیش تغافل و نادیده انگاشتن است.» و «أَشْرَفُ أَخْلَاقِ الْكَرِيمِ تَغَافُلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ» (محلاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۵۶) «شریف‌ترین خلقهای کریم و بزرگوار تغافل او است از آنچه می‌داند.» و «لَا حِلَّ كَالْتِغَافُلِ» (محلاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۵۷) «هیچ بردباری و حلمی همچون تغافل نیست» حضرت علی (علیه السلام) ره‌آورد تغافل را ستوده شدن کار می‌دانند: «تَغَافُلٌ يُحْمَدُ مُرَكَّبٌ» (انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۷) «بدیههای مردم را بروی خود مبار کارت ستوده خواهد شد.» و «عَظُمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدُّنْيَا مِنَ الْأُمُورِ» (محمودی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۰۴ / نوری، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۸۸ / طبرسی، بی‌تا، ص ۱۸۰) «با تغافل از چیزهای کم ارزش، قدر و شوکت خود را بالا ببرید.»

و خطر دوری از این روش را ناخوشی زندگی می‌دانند: «مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يَغُضَّ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَغَصَّتْ عَيْشَتُهُ» (انصاری، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۱۷) «هر که از بسیاری از کارها تغافل نرزد و آنها را نادیده نگیرد زندگیش ناخوش گردد.»

گاهی کودک با این روش به اشتباه خود پی نخواهد برد. بنابراین ضروری است روشی روشن‌تر، برای آگاهی بهتر او به کار برده شود، که ابتدائی‌ترین نوع تنبیه به شمار می‌رود. از این روش که همان روش تغییر چهره است زمانی می‌توان بهره برد که بین مربی و متربی رابطه‌ای بسیار صمیمی برقرار بوده و

۱. «ضادوا الشَّرَّ بِالْخَيْرِ» (انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۴۲) «بوسیله خوبی با بدی بستیزید.» و «ضادوا القسوة بِالرِّقَّةِ» (محلاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۱۵) «با بی‌رحمی و سنگدلی مخالفت کنید به وسیله دل‌نازکی.» و «ضادوا الإساءة بِالْإِحْسَانِ» (ناظم‌زاده قمی، ۱۳۷۵، ص ۱۵) «با نیکوکاری به مقابله بدیها بروید.»



متربی خود را نیازمند به این رابطه بداند به طوری که ناراحتی مربی برایش قابل تحمل نباشد. حال اگر چنین رابطه‌ای بین مربی و متربی نباشد استفاده از این روش راه به جایی نخواهد برد.

#### ۱-۳-۲. تنبیه با کنایه

دومین مرحله در تنبیه، کنایه زدن به خطا کار است. این مرحله زمانی به کار می‌رود که کودک با روش قبلی به خطای خود پی نبرده و قدرت تشخیص کنایه را نیز نداشته باشد؛ زیرا «التَّعْرِضُ لِلْعَاقِلِ أَشَدُّ عِتَابِهِ» (محالاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۰۵) «گوشه و کنایه زدن برای شخص عاقل سخت‌ترین عقاب و سرزنش او است.» و «إِذَا لَوْحٌ لِلْعَاقِلِ فَقَدْ أُوجِعَتْهُ عِتَابًا» (محالاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۰۵ و ۱۰۶) «هر گاه کنایه و گوشه به انسان عاقل بزنی، سرزنش دردآوری به او کرده‌ای.» و «تَلْوِیحُ زَلَّةٍ الْعَاقِلِ لَهُ مِنْ أَمَضِّ حَدِيثِ عِتَابِهِ» (محالاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۰۶) «کنایه گویی و گوشه زدن در لغزش شخص عاقل، از رنج‌آورترین سرزنش‌های او است.» بنابراین عمده کاربرد این روش در سنین بلوغ و بعد از آن می‌باشد. اگر مربی غافل از درک و فهم متربی از این روش استفاده کند، علاوه بر بی‌اثری آن در تربیت موجب ناامیدی مربی از متربی شده و متربی نیز به اشتباه خود پی نخواهد برد.

#### ۱-۳-۳. تذکر مستقیم و پنهانی

یکی از روش‌های مهم تنبیه تذکر مستقیم و پنهانی است این روش پس از تغییر چهره و تنبیه با کنایه اولین روشی است که به طور مستقیم خطای متربی را به وی تذکر می‌دهد و به بیان حضرت علی (علیه السلام) مژده‌ایست از طرف مربی به متربی، «مَنْ حَذَرَكَ كَمَنْ يَشْرُكَ» (حکمت ۵۹) «آن که تو را هشدار داد، چون کسی است که مژده داد.» از این روش زمانی می‌توان استفاده کرد که دو روش قبلی کارساز نبوده و یا کودک در سنی باشد که کنایه را درک نمی‌کند. یکی از شرایط بسیار مهم این روش، غیر علنی بودن آن است. با رعایت این شرط، مربی شخصیت کودک را گرامی داشته وی را از تحقیر دیگران در امان می‌دارد. ولی اگر تذکر در برابر دیگران انجام گیرد علاوه بر تحقیر متربی وی را در تکرار اشتباه جری‌تر می‌نماید.

#### ۱-۳-۴. تهدید

تهدید از جمله روش‌هایی است که در قرآن کریم و احادیث ائمه (علیهم السلام) بسیار از آن استفاده شده است. آیاتی از قرآن کریم که به عواقب گناهان و عذابی که برای آن در نظر گرفته شده اشاره دارد و نیز آیاتی که





به توصیف برزخ و دوزخ پرداخته است از جمله این تهدیدات می‌باشد. در احادیث ائمه علیهم‌السلام نیز احادیثی که به این موضوع پرداخته است بیانگر جواز استفاده از این روش است.

حضرت علی علیه‌السلام ضمن خطبه‌ها و نامه‌هایی با این روش اصحاب خود را تنبیه نموده و به عواقب کار خود آگاهی داده‌اند. ایشان ضمن خطبه‌ای به مردم کوفه به تهدید مخالفان پرداخته تا شاید دست از مخالفت برداشته و خود را از خطر انحراف نجات دهند:

«وَالدَّعْوَةُ إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ، وَالتَّرَقُّ فِيهَا لِضْمَانِ الْفَوْزِ وَلَعَمْرِي مَا عَلَيَّ مِنْ قِتَالٍ مِنْ خَالَفَ الْحَقَّ وَخَابَطَ النَّعْيَ مِنْ إِذْهَانٍ وَلَا إِهْيَانٍ» (خطبه ۲۴) «سوگند به جان خودم، در مبارزه با مخالفان حق، و آنان که در گمراهی و فساد غوطه‌ورند، یک لحظه مدارا و سستی نمی‌کنم.»

امیرالمؤمنین علیه‌السلام ضمن نامه‌ای به زیاد بن ابیه وی را به دلیل خیانت در اموال عمومی تهدید به سخت‌گیری می‌نماید:

«وَإِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسْمًا صَادِقًا لَنْ بَلَّغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ قَلِيلَ الظُّهْرِ ضَيْلَ الْأَمْرِ وَالسَّلَامِ» (نامه ۲۰) «همانا من، برآستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت‌گیرم که کم بهره شده، و در هزینه عیال، در مانده و خوار و سرگردان شوی با درود.»

حضرت علی علیه‌السلام از این روش برای تأدیب یکی از فرمانداران خود در سال چهل هجری این گونه استفاده کرده‌اند:

«أَمَا بَعْدَ فَقَدْ بَلَّغَنِي عَنْكَ أَمْرًا إِنَّ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ اسْخَطْتَ رَبِّيكَ وَعَصَيْتَ إِمَامَكَ وَأَخْرَيْتَ أَمَانَتَكَ بَلَّغَنِي أَنَّكَ جَرَدْتَ الْأَرْضَ فَأَخَذْتَ مَائِحَتَ قَدَمَيْكَ وَأَكَلْتَ مَائِحَتَ يَدَيْكَ فَانْفَعِ إِلَى حِسَابِكَ وَاعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَكْثَرُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ وَالسَّلَامُ» (نامه ۴۰)

«پس از یاد خدا و درود از تو خبری رسیده است که اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به خشم آورده، و امام خود را نا فرمانی، و در امانت خود خیانت کرده‌ای. به من خبر رسیده که کشت زمینها را بر داشته، و آنچه را که می‌توانستی گرفته، و آنچه در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای، پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است. با درود.»

حضرت امیر علیه‌السلام در مواجهه با منذر بن جارود عبدی که در فرمانداری خود خیانتی مرتکب شده بود این گونه می‌فرماید:



«فَإِذَا أَنْتَ فِيمَا رُفِيَ إِلَيَّ عَنْكَ لَا تَدْعُ لِهَوَاكَ انْقِيَادًا وَلَا تَبْتَغِي لِآخِرَتِكَ عِتَادًا تُعْمِرُ دُنْيَاكَ بِحِرَابِ آخِرَتِكَ وَتَصِلُ عَشِيرَتَكَ بِقَطِيعَةِ دِينِكَ وَلَيْنَ كَانَ مَا بَلَغَنِي عَنْكَ حَقًّا لَجَمَلِ أَهْلِكَ وَشَسَعِ نَعْلِكَ خَيْرَ مِنْكَ وَمَنْ كَانَ بِصِفَتِكَ فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يَسُدَّ بِهِ نَعْرًا وَيُنْفِذَ بِهِ أَمْرًا وَيُعَلِّيَ لَهُ قَدْرًا وَيُشْرِكَ فِي أَمَانَةٍ أَوْ يُؤْمِنَ عَلَى جَبَايَةٍ فَأَقْبِلْ إِلَيَّ حِينَ يَضِلُّ إِلَيْكَ كِتَابِي هَذَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ:» (نامه ۷۱)

«اگر آنچه به من گزارش رسیده، درست باشد، شتر خانه‌ات، و بند کفش تو، از تو با ارزش تر است، و کسی که همانند تو باشد، نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد، و نه می‌تواند کاری را به انجام رساند، یا ارزش او بالا رود، یا شریک در امانت باشد یا از خیانتی دور ماند پس چون این نامه به دست تو رسد، نزد من بیا. ان شاء الله.»

والدین و مریبان عزیز باید توجه داشته باشند که اگر از این روش جهت تنبیه کودکان استفاده می‌نمایند، زیاده روی نکرده و کودکان را به گونه‌ای تهدید نکنند که موجب ترس وی شده و آثار مخرب دیگری به بار آورد. همچنین از این روش به گونه‌ای استفاده نشود که برای کودک امری عادی شده و وی به آن عادت نماید.

#### ۱-۳-۵. محروم سازی

چهارمین مرحله تنبیه، محروم سازی کودک از نعمت‌ها و امکانات محبوب و مورد نیاز اوست. این روش که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است، (قرآن کریم ۴: ۳۴) یکی از مؤثرترین روش‌های تربیتی به شمار می‌رود. امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) در این خصوص و در جهت محروم سازی خطاکار و یاد آوری نعمات به وی می‌فرماید: «أَزْجِرُ الْمُسِيءَ بِثَوَابِ الْحُسَيْنِ» (حکمت ۱۷۷) «بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار آزار ده.» ایشان به بهره برداری خداوند از این روش برای تربیت انسان‌ها اشاره نموده و این گونه می‌فرمایند: «كُرِّمْنَا مِنْ مُسْتَدْرَجِ الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ» (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۵۳) «چه بسا گرفته شدن نعمتی به سبب گنهکاری که زیاد به او احسان شده است. (و او حیا نکرده تا خداوند ترک او کند.)»

امام صادق (علیه السلام) نیز محروم سازی را یکی از روش‌های تربیتی از جانب خدای متعال برای خطاکاران می‌داند و این گونه می‌فرماید:

« مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَسَلَبَهَا إِيَّاهُ حَتَّى يُذْنِبَ ذَنْبًا لِيُسْتَحَقَّ بِذَلِكَ السَّلْبَ. » (فیض کاشانی، بی تا، ج ۵، ص ۱۰۰۶ / شیخ حر عاملی، بی تا، ج ۱۵، ص ۳۰۴ / مجلسی، بی تا، ج ۷۳، ص ۳۳۹)



«خداوند نعمتی را که به بنده‌اش داده از او سلب و رفع نمی‌کند مگر بنده گناهی انجام دهد که سزاوار این سلب نعمت شود.»

محروم‌سازی می‌تواند در دو جنبه مادی و معنوی بروز کند. جنبه معنوی آن عبارت است از محرومیت از محبت، داشتن روابط عاطفی با دیگران، همنشینی و گفتگو و غیره که معمولاً در قالب قهر، حبس وی و قطع ارتباط با متربی حاصل می‌شود. (قائم‌مقدم، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴) نکته مهم در اعمال این روش این است که با ظهور نشانه‌های ندامت و پشیمانی در رفتار خطاکار باید محرومیت برطرف شده و روابط به حالت عادی برگردد. اگر این نکته رعایت نشود، این محروم‌سازی عادی شده و دیگر جنبه تربیتی نخواهد داشت و شاید باعث نفرت متربی از مربی شده که خلأ عاطفی بین آنان ایجاد می‌کند. به این دلیل است که امام کاظم (علیه‌السلام) به شخصی که از فرزندش شکایت داشت می‌فرماید:

«لَا تَصْرِیْهُ، وَالْحِزْبُ وَلَا تُطِلْ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۴، ص ۹۹)

«او را نزن، بلکه برای مدتی کوتاه با او قهر کن.»

### ۱-۳-۶. توییح و سرزنش

مرحله بعدی پس از محرومیت کودک از امکانات، توییح و سرزنش او در قبال خطائی که انجام داده است می‌باشد. ملامت، شماتت و تعبیر هر سه به معنای سرزنش کردن بوده و با وجود تفاوت‌های اندکی که با یکدیگر دارند، کارکرد هر سه یکی است. ملامت و سرزنش در اصطلاح به معنای گفتن سخن توییح‌آمیز به کسی و بازخواست کردن او در برابر لغزشی که از او سر زده است (هاشمی شاهرودی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۳۱) و شماتت یعنی خشنودی از اتفاق ناخوشایند رخ داده برای دیگری. (هاشمی شاهرودی، بی‌تا، ج ۴، ص ۷۲۳)

مرحوم ملا مهدی نراقی در این خصوص می‌فرماید:

شماتت عبارت است از اظهار این که بلا و مصیبتی که به غیر او (شماتت‌کننده) وارد شده است، به دلیل بدکاری و بدی اوست و غالباً صدور این فعل از روی عداوت و یا حسادت است و علامت آن این است که با شادی و سرور همراه است. (نراقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۱)

ملامت و سرزنش به‌جا و به‌هنگام، برخلاف تحقیر یکی از روش‌های مؤثر در تربیت بوده و از آن می‌توان به عنوان یک روش اصلاحی استفاده نمود. به گفته حضرت علی (علیه‌السلام) «قد ینجع الملام» (محلاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۰۹) «گاه است که سرزنش، کارگر و سودمند باشد.» ولی این روش همواره باید با



رعایت شرایط و ضوابط خاص خود به کار گرفته شود. از آن جا که این روش نیز برای دستیابی به هدفی تعریف شده و آن «توجه دادن فرد به خطای خود و بازداري او از تکرار یک خطاست» (قائمی امیری، بی تا، ص ۳۹۹)، باید توجه داشت که از آن نباید برای دستیابی به اهدافی غیر از این هدف استفاده نمود. این روش، اگر به درستی اجرا نشود یکی از مصادیق تحقیر به شمار می‌رود که یکی از روش‌های عاطفی آسیب‌رسان می‌باشد. از ترتیب مراحل تنبیه می‌توان دریافت که این روش در مورد کسانی مناسب است که به قدرت تمیز رسیده و خطا را آگاهانه انجام داده باشند.

### ۱-۳-۷. تنبیه بدنی

آخرین مرحله از مراحل تنبیه، تنبیه بدنی است. باید توجه داشت که می‌توان از این مرحله با رعایت شرایط لازم استفاده نمود و بدون این شرایط از مهم‌ترین و اثر گذارترین روش‌های آسیب‌زا به شمار می‌رود. حال بنا به اختلاف موجود بین دانشمندان در به کار بردن این روش در ادامه منابع اسلامی در خصوص جواز این عمل بررسی می‌شود.

#### تنبیه بدنی در نظام تربیتی اسلام

اسلام دین رأفت و مهربانی است و با هرگونه خشونت بی‌جا مخالف است. این دین خشونت را حتی در قبال حیوانات نیز منفور و مطرود می‌داند. ولی در برخی از آیات و روایات به لزوم تنبیه بدنی اشاره نموده است.<sup>۱</sup> با بررسی روایت می‌توان دریافت که ائمه معصومین (علیهم‌السلام) سه نوع رویکرد در قبال تنبیه بدنی اعمال نموده‌اند که عبارتند از نکوهش آزار و اذیت دیگران، رعایت احترام و تکریم شخصیت فرزندان و لزوم تنبیه بدنی، این سه رویکرد که حکایت از اصل قرار دادن رفق و مدارا و مرحله‌ای بودن تنبیه دارد، در خصوص لزوم تنبیه بدنی، به محدود بودن تنبیه تأکید نموده و مری را در استفاده از آن مخیر نمی‌داند. (ر. ک. ب: حسنی، ۱۳۸۸، صص ۲۸۵-۳۱۲)

حضرت علی (علیه‌السلام) روش اصلاح افراد شرور را این گونه بیان می‌دارند:

« مَنْ لَمْ يُصْلِحْهُ حُسْنَ الْمَدَارَةِ أَصْلَحَهُ سُوءُ الْمَكَافَاةِ » (انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۶۴۰)

«آن کس که با خوشرفتاری اصلاح نگردد با خوب کیفر کردن و به سختی سزایش را کنارش نهادن

اصلاح گردد.»

۱. آیاتی که در خصوص عذاب الهی بیان شده و به کیفیت آن پرداخته‌اند و روایاتی که به تنبیه بدنی اشاره دارند.

«استصلاح الأخيار يا كرامهم، والأشرار بتأديبهم» (اربلی، بی تا، ج ۲، ص ۸۶۳ / بحرانی، بی تا، ج ۴، ص ۶۰۱)

«راه اصلاح خوبان به اکرام و بزرگداشت آن‌ها و اصلاح افراد شرور به تنبیه و عقاب آن‌هاست.»

۴-۱. توصیه‌هایی قبل از اعمال تنبیه

برای دستیابی به اثرات مثبت تنبیه و کاهش پیامدهای منفی آن، توجه به نکاتی قبل و حین و بعد از تنبیه لازم است که در این جا به آن اشاره خواهد شد.

۱- قبل از هرگونه داوری در قبال رفتار کودک، باید تا جایی که ممکن است فعل او را بر وجه صحیحی حمل کرد. حضرت علی علیه السلام در این خصوص می‌فرمایند: «صَغُ أَمْرُ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِ حَتَّى يَأْتِيكَ مِنْهُ مَا يُغْلِبُكَ وَلَا تَنْظُنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَأَنْتَ تَجِدُهَا فِي الْخَيْرِ مُحْمِلًا» (مجلسی، بی تا، ج ۷۵، ص ۳۳ / مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۱، ص ۱۵ / شهید ثانی، بی تا، ص ۳۳۲) «کار برادرت را بر وجه صحیحی حمل کن، تا این که چیزی از او مشاهده کنی که بر حسن ظن تو غلبه کند؛ و مادام که وجه مثبتی برای سخن او می‌یابی، هرگز گمان بد به او مبر.» زیرا به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «فَإِنَّ الْإِمَامَ لَأَنْ يُخْطِئَ فِي الْعَفْوِ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يُخْطِئَ فِي الْعُقُوبَةِ» (حسینی شیرازی، بی تا، ج ۳، ص ۳۲۰ / محمدی‌ری شهری، بی تا، ج ۶، ص ۵۵۱) «اگر مری در عفو کردن خطا نماید، بهتر است از این که در عقوبت مرتکب خطا شود.»

۲- تنبیه به صفت و عمل بد شخص تعلق می‌گیرد و هدف آگاهی فرد از خطای خویش است و نباید فرد تحقیر گردد. امیرالمؤمنین می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ وَصَّ الْعِقَابَ عَلَى مَعَاصِيهِ زِيَادَةً لِعِبَادِهِ عَنِ نِقْمَتِهِ» (انصاری، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۵) «براستی که خداوند بزرگ بازخواست و کیفر را بر گناهانش (که از مردم سر می‌زند) وضع فرموده است تا این که بندگانش را از خشم و سخطش باز دارد.» حفظ کرامت و شخصیت متربی با دو راه کار محقق می‌شود: اول این که سعی مری بر آن باشد که جرم و خطائی برای متربی اثبات نشود و در گرفتن اقرار از وی شتاب نکند و دوم این که در صورت اثبات جرم و خطای وی، مری این خطا را نزد دیگران فاش ننماید. (قائم‌مقدم، ۱۳۸۸، ص ۱۴۹)

۳- مری همواره باید موقعیت و شرایط متربی را در نظر بگیرد. توضیح این که اگر متربی خطائی را از روی فراموشی، کراهت و اجبار مرتکب شد نباید او را تنبیه نمود و تنها باید او را به خطایش آگاه کرد.



۴- مری باید در صورت صداقت متربی عذر وی را بپذیرد؛ زیرا حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الاعذار یوجب الاعتذار» (خوانساری، ۱۳۶: ج ۱، ص ۱۱۷) «عذر گفتن واجب می‌سازد پذیرفتن عذر را.»

۵- والدین و مری همواره باید از شتاب‌زدگی پرهیز نمایند. خداوند متعال به فرموده حضرت صادق (علیه السلام) نیز همین رفتار را در برابر بندگان خطاکار خود اعمال می‌نماید: «الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ إِذَا ذُنِبَ ذَنْبًا جَلَّهُ اللَّهُ سَبْعَ سَاعَاتٍ فَإِنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ لِمَرِيكَبٍ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَإِنْ مَصَّتِ السَّاعَاتُ وَلَمْ يُسْتَغْفَرَ كُتِبَ عَلَيْهِ سَيِّئَةُ الْحَدِيثِ» (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۶۶) «هر بنده‌ای که گناه می‌کند خداوند به او هفت ساعت مهلت می‌دهد، اگر توبه کرد گناهی بر او نوشته نمی‌شود ولی اگر استغفار نمود گناه او ثبت می‌گردد.»

۶- لزوم اتمام حجت مری با متربی قبل از تنبیه وی.

۷- قاعده کلی در تنبیه رعایت سلسله مراتب آن است، بنابراین لازم است قبل از تنبیه بدنی تذکر غیر مستقیم به متربی داده شود. حضرت علی (علیه السلام) این روش را یکی از روش‌های برخورد خدای متعال با بندگان می‌داند: «إِنَّ اللَّهَ يَتْلَى عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ وَحَبْسِ الْبَرَكَاتِ وَإِعْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِثُوبٍ تَائِبٍ وَيَقْلَعُ مُقْلَعٌ وَيَتَذَكَّرُ مُتَذَكَّرٌ وَيُزْجَرُ مُزْجَرٌ» (خطبه ۱۴۳) «خداوند بندگان خود را که گناه کارند، با کمبود میوه‌ها، و جلوگیری از نزول برکات، و بستن در گنج‌های خیرات، آزمایش می‌کند، برای آن که توبه‌کننده‌ای باز گردد، و گناهکار، دل از معصیت بکند، و پند گیرنده، پند گیرد، و باز دارنده، راه نافرمانی را بر بندگان خدا ببندد.»

۸- لازم است مری برای تنبیه متربی از خطای وی اطمینان داشته باشد. قرآن کریم در خصوص خبر فاسق می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (قرآن کریم ۴۹: ۶)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واریسی کنید، مبدا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد،] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید.»

۹- مری باید تنها به تنبیه خطاکار اقدام نموده و دیگری را به جای او مجازات ننماید.

۱۰- لازم است متربی به خطا و میزان تنبیه آن آگاهی لازم را داشته باشد.



۱۱- برای کاهش اثرات مخرب ناشی از تنبیه مربی باید ویژگی‌های مثبت مربی را بیان نموده سپس به تنبیه وی اقدام نماید.

۱۲- مربی باید در تنبیه راه بازگشت برای مربی گذاشته و تمام توان خود را در تنبیه اعمال ننماید. حضرت علی (علیه السلام) در سفارشی به امام حسن (علیه السلام) به این نکته اشاره فرموده‌اند: «وَأِنْ أُرِدْتَ قَطِيعَةً أُخِيكَ فَاسْتَبِقْ لَهُ مِنْ نَفْسِكَ بَقِيَّةً يَرْجِعُ إِلَيْهَا إِنْ بَدَأَ لَهُ ذَلِكَ يَوْمًا» (نامه ۳۱) «اگر خواستی از بردارت جدا شوی، جایی برای دوستی باقی گذار، تا اگر روزی خواست به سوی تو باز گردد بتواند.»

#### ۱-۵. نکته‌هایی درباره روش تنبیه

بی‌توجهی والدین و مربیان به توصیه‌های بیان شده ممکن است آسیب‌هایی به وجود آورد که ضروری است در ادامه به آن‌ها اشاره شود:

- تعجیل مربی در تنبیه و سرزنش مربی. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «إِتَاكَ وَالسَّرْعَ إِلَى الْعُقُوبَةِ؛ فَإِنَّهُ مَمْقُوتَةٌ عِنْدَ اللَّهِ وَمُقَرَّبٌ مِنَ الْعَيْرِ» (انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۹) «بر تو باد بدوری از شتاب در کار کیفر گناه که آن نزد خدا مورد خشم زیاد بوده و نزدیک کننده است به حوادث دگرگون سازنده» و نیز می‌فرمایند: «مِنْ كَمَالِ الْحِلْمِ تَأْخِيرُ الْعُقُوبَةِ» (انصاری، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۲۹) «کیفر گناه را تاخیر انداختن از کمال بردباری است.»

- افراط و تفریط در تنبیه. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در جواب پدری که از فرزندان خود شکایت نمود فرمودند: «فَعَاقِبْ بِقَدْرِ الذَّنْبِ» (عسقلانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۸۶) «به اندازه گناهی که کرده‌اند مجازات کن.»

- یادآوری خطای مربی در صورت پشیمانی وی. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «إِعَادَةُ الْاِعْتِذَارِ تَذَكِيرٌ بِالذَّنْبِ» (انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۳) «پوزش را دو مرتبه و از نخواستن، گناه را یادآوری کردن است.» از نظر حضرت علی (علیه السلام) گناهانی وجود دارد که با پشیمانی مربی نیاز به تنبیه وجود ندارد: «رَبِّ جَرَمِ أَغْنَى عَنِ الْاِعْتِذَارِ عَنْهُ الْاِقْرَارُ بِهِ» (انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۷) «بسا جرمی که اقرار کردن به آن شخص را از پوزش خواستن از آن گناه بی‌نیاز می‌سازد.» و نیز می‌فرمایند: «مَا اذْنَبَ مَنْ اِعْتَدَرَ» (انصاری، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۳۶) کسی که عذر خواهد، گویا گناه نکرده است.

- تنبیه برای رضای خاطر مربی و انتقام‌گیری انجام گیرد. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «لَا اِدْبَ مَعَ غَضَبٍ» (انصاری، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۳۳) با خشم و غضب ادبی در کار نیست.



- تنبیه کودک در برابر دیگران که باعث خرد شدن شخصیت وی خواهد شد و او را جری‌تر خواهد نمود.

- توجیه نبودن متربی در برابر تنبیهی که بر او تحمیل می‌شود.  
 - ضربه زدن به قسمت‌های حساس و آسیب‌پذیر بدن متربی مانند صورت.  
 - برای هر خطائی از روش تنبیه بدنی استفاده شود. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: « اضربِ خادِمَكَ إِذَا عَصَى اللَّهَ، وَاغْفُ عَنْهُ إِذَا عَصَاكَ » (انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۵) «خدمتکارت اگر خدا را نافرمانی کرد بزن و اگر تو را نافرمانی کرد بگذر.»

- مقایسه کودک با دیگران توسط مربی.  
 - سستی در تنبیه و افراط در گذشت.  
 - نگاه مجرمانه به متربی پس از تنبیه حضرت علی علیه السلام در این خصوص می‌فرمایند: « مَا أَذْنَبَ مَنْ إِعْتَدَرَ » (محلّاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۰۳) «کسی که عذرخواهی کند چنان است که گناهی نکرده.»  
 - چند جانبه بودن تنبیه، از نظر تعدد شیوه‌های تنبیه و افراد تنبیه کننده.

#### ۱-۶. پیامدهای حاصل از تنبیه

والدین و مربیان عزیز باید توجه داشته باشند که اگر شرایط لازم در استفاده از روش تنبیه رعایت نشود، این روش علاوه بر کارآمد نبودن در تربیت کودک، گاه ضربه‌های جبران‌ناپذیر روحی و جسمی بر وی وارد خواهد نمود. این آسیب‌ها عبارتند از:

- کینه توزی متربی نسبت به مربی.
- آموزش خشونت و پرخاشگری نسبت به دیگران به متربی.
- احساس حقارت، خود کم‌بینی و کاهش اعتماد به نفس متربی.
- جایگزینی رفتار نامطلوب دیگر به دلیل ارائه ندادن راه‌کار، در تنبیه به متربی.
- مقاومت متربی در برابر مربی و از بین رفتن حرمت بین آن‌ها.
- انتقام و تلافی متربی در برابر مربی و دیگران.
- عادت کردن به آن و تکرار کارهای قبلی.

#### ۲. تشویق نا به جا

تشویق که به معنای برانگیختن، به شوق آوردن، راغب ساختن و شایق کردن است، (دهخدا، ۱۳۲۵-۱۳۵۲، ج ۱، ص ۱۰۸۸) یکی از روش‌های کارآمد در تربیت کودک در برابر اعمال نیک اوست.





همه انسان‌ها به تأیید دیگران، جهت افزایش اعتماد به نفس و انگیزه در کارهای خود، نیازمندند. به این دلیل تشویق بهترین روش برای ترغیب کودک به انجام اعمال نیک است. ولی این روش نیز ممکن است مانند روش‌های تربیتی دیگر، آسیب‌ها و خطراتی در پی داشته باشد.

با تأمل در آیات قرآن کریم، اثر گذاری این روش بیشترنمایان خواهد شد. آیاتی که به توصیف بهشت و نعمت‌های آن می‌پردازد از این روش استفاده نموده تا انسان را به کارهای نیک ترغیب نماید. در احادیث ائمه (علیهم‌السلام) نیز به وفور بر تشویق متربی تأکید شده است. حضرت علی (علیه‌السلام) یکی از سنت‌های خداوند را اعمال تشویق و تنبیه انسان‌ها در برابر کارهای نیک و بد آن‌ها می‌دانند و می‌فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ سُجَّاتُهُ وَضَعَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ وَالْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ زِيَادَةَ لِعِبَادِهِ عَنْ نِقْمَتِهِ وَحْيَاثَةً هُمْ إِلَى جَنَّتِهِ»  
(حکمت ۳۶۸)

«همانا خداوند پاداش را بر اطاعت، و کیفر را بر نافرمانی قرار داد، تا بندگان را از عذابش برهاند، و به سوی بهشت کشاند.»

ایشان در نامه‌ای به مالک اشتر به عنوان کارگذار مصر و مؤثر در تربیت مردم آن دیار می‌فرمایند:  
«وَأَصِلْ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ وَتَعْدِيدِ مَا أَبْلَى ذُؤُا أِبْلَاءِ مِنْهُمْ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ حُسْنِ أَعْمَالِهِمْ يَهْزُ الشُّجَاعَ وَ تُحَرِّضُ النَّاكِلَ» (نامه ۵۳)

«پس آرزوهای سپاهیان را بر آور، و همواره از آنان ستایش کن، و کارهای مهمی که انجام داده‌اند بر شمار، زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را بر می‌انگیزاند، و ترسوها را به تلاش وامی‌دارد.»

#### ۲-۱. آداب تشویق

با وجود اهمیت تشویق در دستیابی به تربیتی کیفی، کارائی روش تشویق نیز مانند هر روش تربیتی دیگر مستلزم رعایت آداب آن می‌باشد که این آداب عبارتند از:

- تشویق باید به فعل، عمل، صفت و ویژگی نیک شخص تعلق گیرد تا تقویت کننده آن اعمال و صفات باشد و وی را از اعتدال دور ننماید.

- تشویق باید به‌جا و به‌مورد بوده از زیاده‌روی در آن اجتناب شود. حضرت علی (علیه‌السلام) به عیادت یکی از یاران خود رفتند و فرمودند: «إِنَّكَ مَا عَلِمْتُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ خَفِيفُ الْمَوْثِقَةِ» (ثقفی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۹۷)  
«همانا تو تا آن‌جا که دانسته‌ام یاور و کم‌هزینه‌ای.»

- تشویق باید به موقع انجام گیرد تا تأثیر خود را در بهتر تربیت شدن کودک بگذارد.



- تشویق باید به اندازه بوده و از حد تجاوز نکند تا زمینه انتظارات نابه‌جا و غرور در متریبی ایجاد نشود و کمتر از حد نیز نباشد زیرا کارایی خود را از دست خواهد داد. «الثَّاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَأَ وَالتَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ» (حکمت ۳۴۷) «ستودن بیش از آنچه که سزاوار است نوعی چاپلوسی، و کمتر از آن، درماندگی یا حسادت است.»

- تشویق، خود روشی برای برانگیختن است و نباید هدف قرار گیرد.  
- کودک باید خود به انگیزه تشویق و هدف آن پی برده باشد.  
- تشویق، باید با تقویت درونی کودک همسو باشد (کریمی، ۱۳۸۱، ص ۹۷)؛ به این معنی که تمایلات و برانگیختگی درونی مانند انگیزه، بر تشویق اولویت داشته و همسو باشد.

### ۲-۲. آسیب شناسی تشویق

با توجه به آداب و شرایطی که برای تحقق روش تشویق مؤثر، بیان شد، می‌توان دریافت که رعایت نکردن این آداب باعث آسیب‌زا بودن این روش خواهد بود. یکی از آفات بسیار مهم در تشویق، هدف قرار دادن آن برای کودک است. این عمل باعث خواهد شد که کودک تنها با وجود تشویق به اعمال نیک پرداخته و به اصطلاح تشویق صورت رشوه به خود گیرد. این نگرش در کودک، وی را فردی وابسته، پرتوقع و طلبکار نمایان خواهد کرد و روحیه ایثار و از خود گذشتگی را در او از بین خواهد برد؛ زیرا کودک عادت به دریافت، در تقابل کار نیک کرده است و بدون آن دست به اعمال نیک نخواهد زد.  
یکی دیگر از علل آسیب‌زا بودن تشویق مکرر بودن آن است. والدین با تشویق‌های مکرر علاوه بر پرتوقع نمودن کودک، با عادت دادن وی به این منش، ارزش آن را از بین خواهند برد و دیگر کارایی لازم در امر تربیت را نخواهد داشت.

با توجه به موارد یاد شده در روش تشویق، لازم است والدین و مربیان قبل از ترغیب کودک، به نتایج حاصل از این تشویق و ترغیب دقت نموده و با در نظر گرفتن آسیب‌های آن به این روش اقدام نمایند.

### ۳. جدال باطل (غیر احسن)

جدل در لغت به معنای أَحْكَمَ فْتَلَهُ یعنی محکم پیچ دادن (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۷۳ / معافری، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۶) و در اصطلاح به معنای مقابله با خصم است تا این که او را از رأی خود منصرف کند. (قرشی بنایی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۳)  
برخی، جدال را به لحاظ حکم تکلیفی به پنج قسم تقسیم کرده‌اند:



- ۱- جدال واجب، و آن جدالی است که به قصد احقاق حق و از بین بردن باطل صورت می‌گیرد و دفع منکر و اقامه واجب متوقف بر آن است.
- ۲- جدال مستحب، که به قصد یاد شده در جدال واجب انجام می‌شود و برپایی عمل مستحب و جلوگیری مکروه منوط به آن است.
- ۳- جدال مباح، که با غرض اظهار حق - بدون آنکه برای جدال کننده یا دیگری نفعی دینی متصور باشد و توأم با رفتار قبیح نیز نباشد - انجام می‌گیرد، مانند نقد سخن کسی به جهت غلط ادا کردن آن از نظر ادبی.
- ۴- جدال مکروه، که همچون جدال مباح، فاقد نفعی دینی است؛ لیکن احتمال می‌رود بحث به ارتکاب رفتاری قبیح کشیده شود.
- ۵- جدال حرام، که با غرض به زانو درآوردن طرف و رسوا کردن او و اظهار چیرگی و مانند آن انجام می‌گیرد، یا آنکه مستلزم ترك واجبی می‌گردد؛ بلکه هر بگو مگویی که فاقد غرض صحیح و اظهار حق می‌باشد. (مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۵، صص ۳۹۵-۳۹۹)
- ولی به طور کلی جدال بر دو دسته تقسیم می‌شود: جدال به حق و جدال به باطل که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است. خداوند متعال در سوره نحل به جدال حق اشاره فرموده و آن را با لفظ احسن بیان می‌فرماید:

«وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (قرآن کریم ۱۶: ۱۲۵)

«و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای. در حقیقت»

در سوره عنکبوت نیز به این نوع جدال اشاره فرموده است:

«وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (قرآن کریم ۲۹: ۴۶)

«و با اهل کتاب، جز به [شیوه‌ای] که بهتر است، مجادله مکنید»

جدال باطل نیز که در سوره غافر به آن اشاره شده یکی از خصوصیات کافران شمرده شده است:

«مَائِجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا» (قرآن کریم ۴۰: ۴)

«جز آنهایی که کفر ورزیدند [کسی] در آیات خدا ستیزه نمی‌کند»<sup>۱</sup>

۱. آیات فراوانی پیرامون این موضوع در قرآن کریم وجود دارد، این آیات صرفاً برای نمونه ذکر شده است.



مراء در لغت به معنای دست کشیدن به پستان شتر به منظور استخراج شیر است (زمخشری، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۳۴) و در اصطلاح به معنای مباحثه و احتجاج درباره چیزی است که در آن تردید و شک وجود دارد. (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۷۶۶) در کلام حضرت علی (علیه السلام) نیز این تعریف به خوبی نمایان شده است:

«وَالشَّكُّ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى التَّمَارِ وَالْهُوْلِ وَالْتَرُدُّ وَالِإِسْتِسْلَامُ» (حکمت ۳۱)

«و شک چهار بخش دارد: جدال در گفتار، ترسیدن، دو دل بودن، و تسلیم حوادث روزگار شدن.» ایشان در حدیثی دیگر می‌فرمایند: «من صحَّ يقينه زهد في المراء» (محلّاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۲۴) «کسی که یقین او درست باشد، در جدال و ستیز بی‌رغبت شود.» و «من کثر مراء بالباطل دام عماؤه عن الحق» (محلّاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۲۵) «کسی که مراء و جدال او زیاد باشد کوری او از حق دوام یابد.»

### ۳-۱. تفاوت جدال و مراء

این دو لفظ از دو جهت با یکدیگر متفاوتند اول این که: هدف از مراء اظهار فضل و کمال برای طرف مقابل است، در حالی که هدف از جدال تحقیر طرف مقابل می‌باشد و دوم این که: جدال در رابطه با قضایای علمی مطرح است ولی مراء به هر نوع مقابله خصمانه گفته می‌شود. (واعظ‌زاده خراسانی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۱۸۶) به عبارت دیگر مراء اعم از جدال و از آن گسترده‌تر است.

### ۳-۲. نهی از جدال و مراء در سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام)

حضرت علی (علیه السلام) در احادیث فراوانی افراد را از این عمل نهی نموده‌اند و عواقب آن را این گونه بیان می‌دارند: «مَنْ صَنَّ بَعْرُضَهُ فَلْيَدْعِ الْمِرَاءَ» (حکمت ۳۶۲) «هر کس که از آبروی خود بیمناک است از جدال بپرهیزد.» و «إِتَاكُمْ وَالْجِدَالَ فَإِنَّهُ يورِثُ الشَّكَّ» (ناظم‌زاده قمی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۳) «بر شما باد به دوری از مجادله، زیرا جدال در باعث شک در دین خدا می‌شود.»

ایشان دستیابی به حق را بی‌نیاز از جدال می‌دانند و می‌فرمایند: «الحقُّ أبلغُ منزلةً عن المحاباة والمراءاة.» (محلّاتی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۷۲) «حق، آشکار و روشن است و از نیاز داشتن به یاری دادن و انکار و جدال دور و منزّه است.»

حضرت علی (علیه السلام) کمی جدال را نشانه عقل می‌دانند: «سِنَّةٌ تُحَبَّرُ بِهَا عُقُولُ النَّاسِ: الْحِلْمُ عِنْدَ الْعَصَبِ، وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الرَّهْبِ، وَالْقَصْدُ عِنْدَ الرَّغْبِ، وَتَقْوَى اللَّهِ فِي كُلِّ حَالٍ، وَحُسْنُ الْمَدَارَاةِ، وَقِلَّةُ الْمَارَاةِ.» (محلّاتی،



۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۵۱) «شش چیز است که آزمایش شود بدانها عقلهای مردمان: بردباری در هنگام خشم، شکیبایی در هنگام ترس، میانه‌روی در هنگام میل و خواهش، تقوای الهی در هر حال، خوب مدارا کردن، کمی جدال و ستیزه.»

ایشان جدال را ریشه شر و بدی می‌دانند: «جَمَاعُ الشَّرِّ الْجَاهُ وَكَثْرَةُ الْمَارَةِ» (محلّاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۰۲) «جامع بدی و شرّ، لجاجت و جدال کردن بسیار با مردم است.» و «المِرَاءُ بَدْرُ الشَّرِّ» (محلّاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۲۴) «جدال کردن تخم شرّ و بدی است.»

### ۳-۳. پیامدهای جدال

در بیانات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) هر منع و نکوهش عملی به دلیل یا دلایلی انجام گرفته است. نکوهش و منع جدال و مرء باطل نیز از این امر مستثنی نیست و حضرت علی (علیه‌السلام) ضمن احادیثی به این دلایل اشاره فرموده‌اند. از نظر ایشان پیامدهای جدال عبارتند از:

۱- دشمنی: «مَرَّةُ الْمِرَاءِ السُّخْنَاءُ» (محلّاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۲۴) «میوه جدال و ستیز، دشمنی است.» و «سَبَبُ السُّخْنَاءِ كَثْرَةُ الْمِرَاءِ» (محلّاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۲۴) «سبب دشمنی، ستیز کردن بسیار است.»

۲- ایمن نبودن از اشتباه: «مَنْ كَثُرَ مِرَاؤُهُ لَمْ يَأْمَنِ الْعَلَطُ» (محلّاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۲۴) «کسی که جدال و ستیزش زیاد باشد، از غلط و اشتباه ایمن نیست.»

۳- نادانی همیشگی: «مَنْ جَعَلَ دِينَهُ الْمِرَاءَ لَمْ يُصِحْ لَيْلَهُ» (محلّاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۲۵) «کسی که عادت خود را در جدال و مرء قرار دهد، شب او صبح نگردد (و پیوسته در تاریکی جهل و نادانی به سر برد)»

۴- کاهش محبت: «لَا مَحَبَّةَ مَعَ كَثْرَةِ مِرَاءٍ» (محلّاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۲۵) «با جدال بسیار، محبتی به جای نماند.»

۵- بیماری قلب و ایجاد نفاق: «إِيَاكُمْ وَالْمِرَاءَ وَالْحُصُومَةَ؛ فَإِنَّهُمَا يَرْضَانِ الْقُلُوبَ عَلَى الْإِخْوَانِ، وَيَبْتِئُ عَلَيْهِمَا النَّفَاقُ» (ناظم‌زاده قمی، ۱۳۷۵، ص ۴۹۲) «بر شما باد به دوری از جدال و خصومت، زیرا آن دو، قلب را بیمار می‌کنند و نفاق بر آن می‌رویند.»



با توجه به پیامدهای یاد شده در احادیث حضرت امیر (علیه السلام) همه انسان‌ها باید همواره از این روش دوری نمایند. دوری از این روش زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که بحث از تربیت باشد. کودک که همواره نیازمند به محبت والدین و مربیان خویش است، با این برخورد، احساس خواهد کرد که سخنانش شنیده نمی‌شود و کسی برای آن اهمیتی قائل نیست. این احساس سبب می‌شود که روابط کودک با والدین کاهش یافته و نفرت جایگزین محبت شود.

از جمله پیامدهایی که این روش را از جمله روش‌های رفتاری قرار می‌دهد، رویارویی والدین با فرزند و شکسته شدن حریم بین آن‌هاست که خود پیامدهای غیر قابل جبران خواهد داشت. به این دلیل حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «سِتَّةٌ لَا يُمَارُونَ: الْفَقِيهَ، وَالرَّئِيسَ، وَالِدَيْهِ، وَالْبَدْنِيَّ، وَالْمَرْأَةَ، وَالصَّبِيَّ» (محلاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۲۵) «با شش گروه نباید ستیز کرد: دانشمند فقیه، رئیس، افراد پست، بد زبان، زن، کودک.»

برای دوری از این روش و عادت نکردن به آن همواره باید از آن دوری کرد؛ زیرا «من عوّد نفسه المرء صار ديدنه» (محلاتی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۲۴) «کسی که خود را به جدال عادت دهد، تدریجاً این کار عادت رسمی او گردد.»

علاوه بر احادیث یاد شده آن حضرت در کلامی ارزشمند می‌فرماید: «مُرُوا الْأَخْدَاتِ بِالْمَرْءِ وَالْمُجْدَالِ وَالْكُهُولَ بِالْفِكَرِ وَالشُّيُوخَ بِالصَّمْتِ» (ناظم‌زاده قمی، ۱۳۷۵، ص ۳۵۷) «نوجوانان را به بحث و جدال، و میان‌سالان را به فکر و اندیشه و پیران را به سکوت و خاموشی فرمان دهید.» با توجه به احادیثی که ذکر شد، شاید جواز جدال برای جوانان در این حدیث به این دلیل باشد که اولاً جوانان به سن تمیز و تشخیص رسیده و اثرات مخرب این روش در آن‌ها راهی ندارد و دوماً منظور از جدال در این حدیث، جدال احسن است که در قرآن نیز به آن توصیه و تأکید شده است. بنابراین بر والدین و مربیان لازم است از این روش دوری نموده و مفاهیم مورد نیاز کودکان را با روش‌های دیگر به آنان منتقل نمایند.

#### نتیجه

والدین و مربیان اصل در تربیت را بر تشویق کودکان و ایجاد انگیزه در آن‌ها گذاشته و از تنبیه در مواقع ضرور استفاده کنند. آن‌ها برای کاهش اثرات نامطلوب این روش باید به نکات زیر توجه نمایند: تنبیه باید بدون خشم و غضب باشد، با نوع خطا و یا ناسازگاری متناسب باشد، برای کودک قابل تحمل بوده و به عنوان آخرین راه تربیتی مورد استفاده قرار گیرد، مجری تنبیه بر خود مسلط بوده و تنها در هر



بار به یک نوع تنبیه اکتفا نماید. همانطور که بیان شد اصل در تربیت، بر تشویق متریبی باید بنا شود ولی این روش نباید به گونه‌ای اجرا شود که برای وی هدف اصلی قرار گیرد. بنابراین مریبی باید همسو با تقویت درونی کودک وی را تشویق نماید. مریبی باید بدون جدال و برخورد خصمانه مفاهیم لازم به کودک را به وی منتقل نماید و در برابر مقاومت وی صبور باشد؛ زیرا بی‌صبری مریبی و جدال او با متریبی، منجر به رفتارهای عجولانه و ناهنجار بین آن‌ها شده و با تکرار این عمل اثرات مخربی چون: از دست دادن تعادل رفتاری متریبی و انجام اعمال غیر عاقلانه توسط او خواهد شد.

با توجه به مباحث یاد شده، وجود مشکلات تربیتی در جامعه و بررسی زندگی انسان در همه اعصار می‌توان دریافت که تربیت امری ساده نیست، نباید آن را ساده انگاشت و نمی‌توان با بی‌مبالاتی به تربیتی شایسته انسانیت دست یافت. بلکه برای دستیابی به بهترین نوع تربیت، باید هزینه آن را پرداخت. خانواده با برخورد مناسب با فرزندان، رعایت حقوق انسانی و درک مقتضای سنی آنان و اهمیت بیش از پیش به تربیت کودکان خود، می‌تواند آینده‌ای درخشان برای جامعه و فرزندان رقم زده آنان را برای سرای آخرت نیز آماده نمایند.

با بررسی این روش‌ها بر طبق علوم معاصر و نقد آن‌ها با مبانی اسلامی - علوی روشن می‌شود که اسلام دین جامع و کاملی است، کوچکترین نیاز انسان را نادیده نگرفته و برای آن برنامه دارد و با نگاهی اجمالی به سخنان امیر المؤمنین (علیه السلام) می‌توان دریافت که این گنجینه ارزشمند در همه علوم به خصوص علوم تربیتی که هدف اصلی اسلام است، از چه ظرفیت بالائی برخوردار بوده و هنوز استفاده لازم و کاربردی از آن به عمل نیامده است. بنابراین لازم است استفاده از این میانی را در اولویت قرار داده، از آن بهره بیشتری برده شود و پژوهش‌های جامع‌تر و کامل‌تری در این زمینه صورت گیرد.



## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۴۱۵ق، *الإصابة فی تمييز الصحابه*، تحقیق: عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه..
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، بی تا، *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر - دار صادر.
۳. اربلی، علی بن عیسی، بی تا، *کشف الغمة فی معرفة الائمة*، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، قم: الشریف الرضی.
۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان، بی تا، *حلیة الابرار فی احوال محمد وآله الاطهار* علیهم السلام، غلامرضا مولانا بروجردی، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۳۷۷ ش، *غرر الحکم و درر الکلم* (گفتار امیرالمؤمنین علیه السلام)، ترجمه: سید حسین شیخ الاسلامی، قم: انتشارات انصاریان.
۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۳۷۸ ش، *غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه: محمد علی انصاری قمی، تهران: بی تا.
۸. ثقفی، ابراهیم بن محمد، بی تا، *انفارات*، مصصح: سیدجلال الدین محدث ارموی، طهران: انجمن آثار ملی.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، بی تا، *الصحاح*: تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، بی تا، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۱۱. حسنی، جواد، ۱۳۸۸ ش، *بررسی تحلیلی تنبیه از منظر روائی، فقهی و روان شناسی*، مجموعه مقالات تربیتی تربیت دینی، اخلاقی و عاطفی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته علیه.
۱۲. حسینی شیرازی، سیدحسن، بی تا، *موسوعة الکلمة*، کویت: دارالعلوم.
۱۳. حقانی، حسین، ۱۳۸۵ ش، *علم النفس اسلامی و بررسی نظرات دانشمندان غرب*، تهران: دانشگاه الزهراء علیها السلام.





۱۴. خوانساری، جمال‌الدین محمد، ۱۳۶۶ ش، *شرح غررالحکم و درر الکلم*، تصحیح: سید جلال‌الدین محدث ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. داودی، محمد، ۱۳۸۵ ش، *نقش معلم در تربیت دینی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۳ ش، *سیره نبوی منطق عملی*، تهران: انتشارات دریا.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۲۵-۱۳۵۲ ش، *لغت‌نامه*، تهران: سازمان لغت نامه دهخدا.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی‌تا، *مفردات الالفاظ القرآن*، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت-دمشق: دارالعلم.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر، بی‌تا، *الفائق فی غریب الحدیث*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۰. سیف، علی اکبر، ۱۳۸۸ ش، *روانشناسی پرورشی: روانشناسی یادگیری و آموزش*، تهران: دوران.
۲۱. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، بی‌تا، *منیة المرید فی ادب المفید و المستفید*، تصحیح: رضا مختاری، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، ۱۳۶۳ ش، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، بی‌تا، *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*، صالح جعفری، نجف اشرف: المکتبة الحیدریة.
۲۴. عظیمی، سیروس، ۱۳۷۰ ش، *اصول روانشناسی*، بی‌جا: صفار.
۲۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بی‌تا، *القاموس المحیط*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، بی‌تا، *الوافی*، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام) العامة.
۲۷. قائمی امیری، علی، بی‌تا، *مجموعه بحث‌ها در زمینه خانواده و تربیت کودک*، قم: دار التبلیغ اسلامی.
۲۸. قائمی مقدم، محمد رضا، ۱۳۸۲ ش، *روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۲۹. قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۳۷۱ ش، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. کاوه، سعید، ۱۳۸۷ ش، *از عصبیت تا سلامت رفتار*، تهران: انتشارات سخن.
۳۱. کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۸۱ ش، *گفتارهایی پیرامون اثرات پنهان: تربیت آسیب‌زا*، تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان.



۳۲. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۶۳ ش، *مرآة المقول فی شرح اخبار آل الرسول* ﷺ، هاشم رسولی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بی تا، *بحار الانوار*، تصحیح: محمد باقر محمودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۴. محقق داماد، مصطفی، ۱۳۸۳ ش، *قواعد فقه*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۵. محمدی ری شهری، محمد، بی تا، *حکم النبی الاعظم* ﷺ، قم: دارالحديث.
۳۶. محمودی، محمد باقر، بی تا، *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه*، تصحیح: عزیز آل طالب، طهران: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، مؤسسه الطباعة و النشره.
۳۷. معافری، سعید بن محمد، بی تا، *کتاب الافعال*، قاهره: مؤسسه دارالشعب.
۳۸. معین، محمد، ۱۳۶۰ ش، *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۳۹. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، بی تا، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، تصحیح: علی پناه اشتهاردی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۰. ناظم زاده قمی، سیداصغر، ۱۳۷۵ ش، *جلوه های حکمت*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۱. نراقی، مهدی، بی تا، *جامع السعادات*، تصحیح: محمد کلانتر، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۲. نوری، حسین بن محمد تقی، بی تا، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه آل البيت ﷺ لاحیاء التراث.
۴۳. الهامی نیا، علی اصغر، ۱۳۷۶ ش، *تعلیم و تربیت در اسلام*، قم: اداره آموزش های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۴۴. واعظزاده خراسانی، محمد، ۱۳۸۸ ش، *المعجم فی فقه اللغة القرآن و سر بلاغته*، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی.
۴۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود، بی تا، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت* ﷺ، قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت ﷺ.